



راه تجربه

طرح پژوهشی عضو فعال شورای اجتماعی چهارچشمه، برگزیده رویداد ملی بانوان مهندسان شد

دغدغهای برای زندگی بهتر در محله

میزان محرمیت فضاها، امکان تعامل همسایه ها و کیفیت فضاها، عمومی می تواند بر احساس امنیت و آرامش مردم اثر بگذارد.

● دانشگاه مطابق نیاز محله

در مدل پیشنهادی فاطمه خانم، دانشجوی برای گرفتن نمره، یک طرح فرضی ارائه نمی کند. مسئله ای واقعی در یک محله به او سپرده می شود؛ او باید آن را از نزدیک ببیند، با مردم ارتباط بگیرد، مسئله را بشناسد و سپس با هدایت استادان، برای آن راه حل ارائه کند.

برای مثال، اگر یک محله به فضای باز آفرینی شده، المان شهری، بهسازی محیط، زیباسازی یا فضای عمومی متناسب با فرهنگ و هویت اسلامی نیاز دارد، این نیاز می تواند به یک پروژه واقعی دانشجویی تبدیل شود.

اومی گوید: با این کار، مردم از یک مسئله واقعی پاسخ می گیرند، مدیریت شهری از ظرفیت علمی دانشگاه استفاده می کند و دانشجویان تجربه ای واقعی و مرتبط با آینده حرفه ای خود به دست می آورند. این مدل حتی می تواند به صورت منطقه ای، اجرا شود؛ به این شکل که هر دانشگاه با چند محله مشخص ارتباط داشته باشد و گروه های دانشجویی با حضور در محله، مسائل را از نزدیک بررسی کنند.

● ایده های از محله چهارچشمه

دغدغه فاطمه از سال ۱۴۰۴ و در جریان یک رویداد ملی شکل جدی تری پیدا کرد؛ رویداد ملی بانوان مهندسان «مهنا» که با همکاری شهرداری شیراز و سازمان بسیج مهندسان عمران و معماری کشور برگزار شد و بانوان مهندسان سراسر کشور برای ارائه ایده هایی با قابلیت اجراد سطح ملی دعوت شدند. او با تکیه بر تجربه فعالیت در محله چهارچشمه و علاقه هم زمانش به معماری و شهرسازی، ایده خود را در این رویداد ارائه کرد.

نتیجه، قرار گرفتن طرح در میان طرح های برگزیده بود؛ فاطمه می گوید: از میان بیش از پانصد طرح ارائه شده، حدود پنجاه طرح به عنوان طرح های برگزیده انتخاب شدند و تندیس طلائی گرفتند.

● اجرای پایلوت در مشهد

پس از ارائه طرح، پیگیری هایی برای عملیاتی کردن آن انجام شده است. گفت وگو با اعضای شورای شهر، شهرداری و مسئولان شهرداری منطقه ۹ مشهد از جمله اقداماتی بوده که برای پیشبرد طرح انجام شده است.

این جوان فعال می گوید: با این طرح هر سه ضلع می توانند در یک چرخه مشترک قرار بگیرند؛ چرخه ای که نقطه آغاز آن مردم و هدف آن، بهبود کیفیت زندگی آن هاست.



سمیرا شاهیان اهنوز دانشجوی کارشناسی بود که در یک پروژه ساختمانی، سرپرست کارگاه شد و مسئولیت هایی مثل طراحی داخلی، نظارت بر اجرا و کنترل نقشه و اندازه گذاری ها را بر عهده گرفت؛ تجربه ای که در حدود بیست و دو سالگی به دست آورد. برای فاطمه خادمی فر که یک مادر دهه هفتادی است، معماری از پشت میز دانشگاه شروع نشد. او که از هنرستان همین رشته را دنبال کرده است، حدود سال ۱۳۹۸، فعالیتش را در کمیته معماری و عمران شورای اجتماعی محله چهارچشمه آغاز کرد؛ کمیته ای که خلافت و فقط در همین محله شکل گرفته بود. این بانو به عنوان نماینده جوانان می خواست از نزدیک با مسائل محله و مهم تر از آن، با نگاه مردم به این مسائل روبه روشود. این تجربه به او نشان داد گاهی فاصله نمایان توجهی میان آنچه متخصصان و مدیران شهری مهم می دانند و آنچه مردم هر روز با آن دست و پنجه نرم می کنند، وجود دارد.



● باید از زبان مردم شنید

یکی از تجربه های مهم فاطمه خادمی فرد فعالیت های محله ای، سرپرستی گام پنجم طرح «محله ما» برای یکی از پروژه های محله چهارچشمه بود؛ پروژه ای که در آن، ارتباط مستقیم با مردم، بخش اصلی کار محسوب می شد. او توضیح می دهد: یک گروه چهار یا پنج نفره، حدود یک ماه خانه به خانه به سراغ ساکنان می رفتیم و از آن ها درباره مهم ترین مشکلات محله می پرسیدیم. قرار نبود ما اعضای گروه از قبل تعیین کنیم چه چیزی برای مردم مهم است؛ تلاش می کردیم اولویت ها را از زبان خود ساکنان بشنویم.

نتیجه برای او قابل تأمل بود و متوجه شد مسئله ای که از نگاه یک متخصص بسیار مهم به نظر می رسد، دغدغه اصلی فردی نیست که هر روز در آن محله زندگی می کند. همین تجربه، نگاه او را به برنامه ریزی شهری که رشته تحصیلی اش در مقطع کارشناسی ارشد بود، تغییر داد. این جوان دغدغه مند می گوید: نمی توان برای یک محله از پشت میز تصمیم گرفت. کسی که هر روز از یک کوچه عبور می کند، فرزندش را به مدرسه می برد و شب به خانه اش برمی گردد، مسائل محیط زندگی خود را به شکلی متفاوت از یک ناظر بیرونی می بیند. یکی از نتایج همان بررسی های محله ای، منجر به رسیدگی مدیریت شهری به یک نیاز قدیمی ساکنان بود؛ یعنی اتصال انتهای خیابان سرافازان ۱۳ به هاشمیه ۶۲ و فکوری ۴۵ و مسیری که به دلیل تنگی و پارکی معابر، مشکلاتی برای رفت و آمد ایجاد می کرد. پروژه پس از بررسی و نظرسنجی در دستور کار قرار گرفت و با وجود فاصله ای که به دلیل محدودیت بودجه ایجاد شد، در نهایت اجرا و این اتصال برقرار شد.

● تجربه محله برای رسیدن به یک ایده

همین تجربه ها، پرسش مهم تری را برای او ایجاد کرد: اگر مردم مسائل خود را بیان کنند، چگونه می توان این مسائل را به راه حل های تخصصی و قابل اجرا تبدیل کرد؟ از طرف دیگر، عضو جوان شورای اجتماعی به عنوان دانش آموخته رشته معماری، با مسئله دیگری هم روبه رو بود؛ فاصله بین دانشگاه و واقعیت را چگونه می توان پر کرد. به باور فاطمه خانم، دانشجوی معماری نباید سال ها در دانشگاه پروژه های فرضی انجام دهد و بعد از فارغ التحصیلی، تازه با واقعیت های اجرا، شناخت مصالح ساخت، نیازهای مردم و محدودیت های یک پروژه واقعی روبه روشود. دانشگاه می تواند پیش از ورود دانشجویان به بازار کار، او را با مسئله ای واقعی در یک محله مواجه کند؛ مسئله ای

که مردم آن را مطرح کرده اند و قرار است برای آن راه حل ارائه شود.

● ۳ ضلع یک مسئله

اینجاست که ایده اصلی طرح پژوهشی این عضو شورای اجتماعی شکل گرفت؛ مدلی که او آن را «مدل شبکه سازی دانشگاه و مدیریت شهری برای بازآفرینی فضاها» نام گذاشت. این مدل بر سه ضلع استوار است: جوان دهه هفتادی، توضیح می دهد: در این مدل، نقطه شروع، مردم هستند. شهروندان مشکلات و نیازهای خود را در شورای اجتماعی محله مطرح می کنند. شورا این مسائل را دریافت، دسته بندی و اولویت بندی می کند. سپس مدیریت شهری، مسائل مشخص شده را به دانشگاه منتقل می کند و دانشگاه از ظرفیت استادان و دانشجویان برای بررسی و ارائه راه حل تخصصی استفاده می کند.

در نهایت، خروجی این فرایند باید دوباره به شهر و مردم برگردد؛ یعنی مسئله ای که از بطن زندگی روزمره شهروندان بیرون آمده، تبدیل به یک پروژه علمی و اجرایی برای بهتر شدن زندگی مردم می شود. در واقع، فاطمه خادمی فر به دنبال ایجاد یک فرایند تعاملی است؛ مردم نیاز را مطرح کنند، شورای اجتماعی آن را سامان دهد، مدیریت شهری مسئله را به دانشگاه منتقل کند و دانشگاه با استفاده از ظرفیت علمی خود راه حل ارائه دهد.

● معماری اسلامی، فراتر از ظاهر

بخش مهم دیگری از طرح، توجه به مفهوم معماری و شهرسازی اسلامی است؛ اما نه به معنای تولید ظاهری عناصر سنتی. از نگاه او، پرسش اصلی این است که آیا فضای زندگی امروز با فرهنگ، نیازها، حریم خصوصی، آرامش و سبک زندگی خانواده ایرانی تناسب دارد یا نه. فاطمه می گوید: برای مثال، رواج آشپزخانه های باز در خانه های ایرانی ها، آیا یک الگوی واحد برای همه خانواده ها و سبک های زندگی مناسب است؟ یا باید طراحی خانه متناسب با ویژگی ها و نیازهای ساکنان آن انجام شود؟ برای همین من معماری را موضوعی فراتر از یک مسئله فنی می دانم؛ موضوعی که با اقتصاد، روان شناسی، جامعه شناسی، فرهنگ، مسائل اجتماعی و حتی تربیت فرزندان ارتباط پیدا می کند.

به باور او، حتی ارتفاع ساختمان، عرض کوچه، نحوه قرارگیری خانه ها،

